

نشریه علمی فقه، حقوق و علوم جزا
مقاله پژوهشی، سال ششم، شماره ۲۱، پاییز ۱۴۰۰، صفحات ۸۶ تا ۹۸
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۱۲ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۱۸

آثار حقوقی و کیفری دعوی رفع تصرف عدوانی

| سید سجاد خالویی تفتی* | کارشناسی ارشد معارف اسلامی و حقوق دانشگاه ولی عصر (عج)
رفسنجان، کرمان.

| آذر علی نژاد | استادیار و عضو هیأت علمی گروه معارف اسلامی و حقوق دانشگاه ولی عصر (عج)
رفسنجان، کرمان.

چکیده

امروزه مفاهیمی همچون مالکیت و تصرف در روابط اجتماعی مورد شناسایی قرار گرفته و قانونگذار به تبع شارع بر رعایت حق مالکیت افراد تأکید داشته است. مبنای دعوی تصرف عدوانی جلوگیری از احقاق حق شخصی جهت حفظ نظم جامعه می‌باشد و یکی از تمهیدات قانونی که در جهت حفظ و حمایت از اموال به شمار می‌رود، پیش‌بینی دعوی رفع تصرف عدوانی حقوقی و کیفری است. این دعوی به دلایل مختلف حجم وسیعی از پرونده‌های دادگستری را به خود اختصاص داده‌اند. فرد می‌تواند از طریق حقوقی یا کیفری اقدام کند و باید با توجه به ادله اثباتی خود یکی از این دو راه را انتخاب کند تا از اتلاف وقت خود و مراجع قضایی بکاهد. خصوصیات بارز دعوی تصرف عدوانی این است که در این دعوا به ماهیت حق رسیدگی نمی‌شود و رسیدگی به ماهیت در این نوع دعوا از موارد تخلف قضایی محسوب می‌شود. در این دعوا رابطه مستقیم بین متصرف سابق و لاحق باید مستقیم باشد، به طوری که خوانده باید بی‌واسطه و مستقیماً مال را از تصرف شاکی خارج سازد. با وجود شایع بودن دعوی تصرف عدوانی، رویه‌های یکسانی به خصوص در بعد کیفری این موضوع در دادگاه‌ها مشاهده نمی‌شود و هنوز هم در زمینه‌هایی میان مراجع و قضات اختلاف وجود دارد.

واژگان کلیدی: دعوا، تصرف عدوانی، مالکیت، اموال غیرمنقول، سوءنیت.

* نویسنده مسئول: sajad.khaloyi@gmail.com

مقدمه

دعوی رفع تصرف عدوانی یکی از مهم‌ترین و شایع‌ترین دعاوی مطروحه در دادگاه‌ها می‌باشد، بطوریکه امروزه با توجه به اهمیت اموال غیر منقول و حجم پرونده‌های مطرح در محاکم تحت عنوان تجاوز به اموال غیر منقول، شناسایی و پرداختن به قواعد حاکم بر رفع تجاوز از این اموال ضروری می‌باشد. در دعوی تصرف، قانونگذار از ظاهر تصرف حمایت کرده و مبنای وضع مقررات حاکم برای دعوی، حمایت از نظم عمومی می‌باشد. (خدری، ۱۳۹۸، ۲۱) لذا دعوی رفع تصرف عدوانی، یک دعوی غیرماهیتی است که در برابر دعوی مالکیت مطرح می‌گردد. دادگاه بدون توجه به منشأ مالکیت صرفاً به سبق، لحوق تصرف و عدوانی بودن آن رسیدگی می‌نماید. به عبارت دیگر، شناخت دعوی تصرف عدوانی از آن جهت حائز اهمیت است که نظم اجتماع متکی بر آن است و از آثار استقرار قدرت حاکمه در اجتماع است یعنی همانطور که قدرت عالیه مستقر در جامعه اقتدار خویش را حفظ می‌کند و اجازه نمی‌دهد افراد جامعه در مقابل آن تخطی روا دارند، در درجات پایین‌تر افرادی که بر اموالی متصرف هستند زیر لوای قدرت برتری که وضع موجود را حفظ می‌کند هستند. چنانچه اشخاص دیگری تصرفات موجود را برابر قانون ندانند باید از طریق مراجعه به دادگاه‌ها و کسب حکم قانونی و اجرای آن به وسیله مقامات عمومی، وضع موجود را به نفع خود به هم زنند اما حق ندارند با جبر و زور شخصی، اموالی را از تصرف متصرفین خارج سازند. اینجاست که مبنای اساسی حمایت از دعوی تصرف عدوانی ظاهر می‌شود و آن جلوگیری از اختیار احقاق حق شخصی اعضای جامعه است در مواردی که مالشان مورد تعرض قرار گرفته است. (مدنی، ۱۳۸۲، ۲۴۴) دادگاه‌ها اغلب در دعوی تصرف عدوانی به مالکیت نظر دارند و سعی می‌کنند به سود مالک رأی دهند و همین مسئله سبب گردیده مقررات این دعوا با مقررات دعوی دیگر که ناظر به مالکیت و در جهت حمایت از مالک وضع گردیده، خلط شود. دعوی رفع تصرف عدوانی حقوقی و کیفری از حیث فعل مادی متجاوز و لزوم عدوانی بودن عمل ارتكابی مشترک می‌باشد. لیکن، یکی از موارد افتراق تصرف عدوانی حقوقی از کیفری لزوم توجه به سوءنیت مرتکب و احراز آن توسط مقام قضایی رسیدگی‌کننده می‌باشد. اگر کسی از روی اشتباه مبادرت به ایجاد آثار تصرف در ملک غیر نماید اگرچه از نظر کیفری جرمی مرتکب نشده و از دید مقام قضایی سوءنیت نداشته، لیکن رافع مسئولیت حقوقی وی نیست و متضرر از فعل زیانبار می‌تواند در محکمه حقوقی دادخواست ضرر و زیان تقدیم و اقامه دعوی نماید. بنابراین باید معتقد بود که جرم تصرف عدوانی از جرایم عمدی بوده که تحقق جرم، منوط به عدوان و سوءنیت می‌باشد یعنی فاعل به نامشروع بودن عمل خود باید واقف باشد. (شریف، ۱۳۴۷، ج ۱، ۴۰) دعوی رفع تصرف عدوانی حقوقی و کیفری از حیث غیرمنقول بودن مال موضوع دعوا با یکدیگر مشترک هستند، با این تفاوت که دعوی تصرف عدوانی حقوقی کلیه اموال غیرمنقول و دعوی تصرف عدوانی کیفری تنها اموال غیرمنقول ذاتی را در بر می‌گیرد. تفاوت دیگر این دو دعوا به وضعیت حقوقی مدعی باز می‌گردد. بر این اساس، صرف متصرف سابق بودن خواهان برای اقامه دعوی حقوقی رفع تصرف عدوانی کفایت می‌کند، در حالیکه در دعوی کیفری تصرف عدوانی شاکی لزوماً باید مالک عین

باشد و سوءنیت متهم هم احراز شود. تشتت و اختلاف نظر بسیار جدی پیرامون موضوع رفع تصرف عدوانی نه تنها در سطح دادگاه‌های بدوی بلکه در سطح مراجع عالی همچون دادگاه‌های تجدیدنظر و شعب دیوان عالی کشور وجود دارد؛ این آراء، دست کم منقسم به چهار گروه هستند: دسته اول، آرائی که معتقدند در تصرف عدوانی نیازی به احراز مالکیت شاکی نیست؛ دسته دوم، بر این باورند که در تصرف عدوانی، مالکیت شاکی باید محرز باشد؛ دسته سوم، نه تنها احراز مالکیت شاکی را لازم می‌دانند بلکه از این موضوع هم فراتر رفته و بر این عقیده‌اند که دلیل اثبات مالکیت باید سند رسمی باشد؛ در دسته چهارم، آرائی قرار می‌گیرد و در عین حال که احراز مالکیت شاکی را لازم می‌داند اما دلیل مثبت مالکیت را تنها سند رسمی ندانسته و با سند غیررسمی از جمله مبیعه‌نامه هم تصرف عدوانی را البته با وجود سایر شرایط محقق می‌دانند. (رضایی، ۱۳۹۸، ۸۵) با توجه به اینکه یکی از موضوعات بسیار مهم مطروحه در دادگستری‌های سراسر کشور، پرونده‌های مربوط به دعوای رفع تصرف عدوانی می‌باشد و در حال حاضر نیز حجم بالای پرونده‌ها و دعوای رفع تصرف عدوانی را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

تعریف دعوای رفع تصرف عدوانی و تاریخچه آن

یکی از حقوق اولیه هر مالکی نسبت به مالکیت خود حق تصرف می‌باشد. در قانون آیین دادرسی مدنی منظور از تصرف، تصرفی است که در حمایت از آن، حق و مالکیت هیچ نقشی نداشته و قضات دادگاه‌ها بدون توجه به وصف تصرف که غاصبانه یا مالکانه است به موضوع رسیدگی و در صورت احراز صرف تصرف، مبادرت به اتخاذ تصمیم قضایی می‌نمایند. در حقوق ایران، دو تعریف از اصطلاح تصرف عدوانی بیان شده است: یکی تصرف عدوانی به معنی اعم و دیگری به معنی اخص. تصرف عدوانی به معنی اعم عبارتست از خارج شدن مال از ید مالک یا قائم مقام قانونی بدون رضایت وی یا بدون مجوز قانونی. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۲، ۱۵۶) در تعریف دیگر گفته شده که تصرف عدوانی عبارت از تصرف در مال غیر و آن را مترادف با تصرف عادی (متجاوز) که اعم از غصب است دانسته‌اند. تصرف عدوانی به معنی اخص عبارتست از اینکه شخصی به جبر و تعدی، مال مورد تصرف دیگری را از دست او در آورد و به تقاضای ذی‌نفع باید این تصرف اعاده شود. در واقع اعده این تصرف یک اقدام انتظامی برای رعایت امنیت همگانی است. مطابق ماده ۱۵۸ قانون آیین دادرسی مدنی، دعوای تصرف عدوانی عبارتست از ادعای متصرف سابق مبنی بر اینکه دیگری بدون رضایت او مال غیر منقول را از تصرف وی خارج کرده و اعاده تصرف خود را نسبت به آن مال درخواست می‌نماید. بسیاری از حقوقدانان و دادرسان در مقام بررسی و تبیین جرم تصرف عدوانی به جای آنکه به معنای واقعی تصرف عدوانی مراجعه نمایند به سراغ ماده ۱۵۸ قانون آیین دادرسی مدنی رفته و معنای تصرف عدوانی را در آنجا جستجو می‌کنند. لذا در تعریف تصرف عدوانی بیان می‌دارند: تصرف عدوانی یعنی اینکه کسی مال غیرمنقولی را که در تصرف دیگری است، بدون رضایت او از تصرفش خارج نماید و خود متصرف گردد. (زرعت، ۱۳۷۹، ۴۲۷)

به نظر می‌رسد تصرف عدوانی، اعمال سلطه بر مال شخص دیگری چه به صورت مادی و چه به صورت معنوی است. در دعوای تصرف عدوانی آنچه ملاک و ضابطه برای تشخیص حق و اقامه دعواست منحصرأ تصرفات سابق مدعی می‌باشد، بدون اینکه نامبرده بتواند به حق مالکیت خود نسبت به ملک استناد نماید. از طرف دیگر در صورت عدوانی بودن تصرفات خوانده، مشارالیه در مقام دفاع نمی‌تواند به مالکیت خود تکیه نماید. اگر شاکی به هر نحوی نسبت به ملکی مالکیت منفعت داشته یا حق انتفاع یا ارتفاق بر آن داشته باشد و دیگری اقدام به تصرف در آن کند، برای شخص دارای حق، امکان طرح شکایت وجود دارد. (خدادی، ۱۳۹۹، ۲۶۵) به طور کلی، تصرف عدوانی ماهیتاً و اصالتاً در زمره دعوای مدنی است. نگاهی به سابقه تدوین قوانین در زمینه رویارویی با این پدیده به خوبی مؤید این ادعا است که هم در ایران و هم در سایر کشورها اولین قوانین در این خصوص وجهه مدنی داشته و پس از آن در برهه‌ای از زمان، قانونگذاران اقدام به جرم‌انگاری آن نموده‌اند که عمدتاً دایره محدودتری از دعوای خصوصی تصرف عدوانی را شامل می‌شده است. (حبیب‌زاده و کوهی اصفهانی، ۱۳۹۱، ۱۰۱) به طور کلی دعوای رفع تصرف عدوانی برای حمایت از یک تأسیس حقوقی که همان حق تصرف مادی می‌باشد، به وجود آمده است. این دعوا به تقلید از حقوق فرانسه وارد حقوق ایران شده و از تصرف مادی صرف حمایت می‌کند که این تصرف نیازمند ویژگی‌های تصرف مالکانه نیست. (حیاتی و هادی، ۱۳۸۷، ۲۴۵) از لحاظ تاریخی می‌توان گفت در حقوق اروپایی، دعوای تصرف عدوانی نخستین بار در قرن نهم میلادی در حقوق کلیسایی ظهور کرد. به این ترتیب کشیش‌هایی که از مقررشان رانده و خلع ید شده بودند با طرح این دعوا و گرفتن حکم می‌توانستند به مقر خویش باز گردند. در قرون وسطی که اختلافات مربوط به تصرف رو به افزایش گذاشت، اقامه دعوای تصرف عدوانی گسترش یافت و هر متصرفی که از او سلب تصرف می‌شد، با اقامه این دعوا می‌توانست دوباره ملک خود را به تصرف درآورد. (صدرزاده افشار، ۱۳۸۰، ۳۴) در حقوق ایران، با توجه به اقتباس این دعوا از فرانسه، در ارتباط با پیشینه دعوای تصرف عدوانی به سختی می‌توان سابقه فقهی برای آن پیدا کرد، اگرچه اماره ید و قواعد حاکم بر آن تا حدودی با موضوع تصرف عدوانی ارتباط پیدا می‌کند، اما اعمال این قواعد با مصادیق دعوای تصرف عدوانی که امروزه در قوانین موضوعه آمده انطباق ندارد، چرا که در فقه اسلامی بنا به قول مشهور به صاحب مال اجازه داده می‌شود که تحت شرایطی مال خود را از متصرف بگیرد. به عنوان مثال، اگر عین مال در دست متصرف باشد یا اینکه مال، دین باشد صاحب دین می‌تواند به قدر طلب خود بدون مراجعه به مراجع مسئول از مال مدیون بر دارد، حال آنکه قوانین کنونی برای حفظ نظم چنین اجازه‌ای را به صاحب مال نمی‌دهد. راجع به تاریخچه این دعوا در حقوق ایران باید گفت از آنجا که با تصویب و اجرای قانون ثبت که از متصرف تقاضای ثبت پذیرفته می‌شد، تقاضاکنندگان ثبت اراضی برای اینکه به تقاضای خود وجهه قانونی دهند ناگزیر بودند که در محدوده مورد درخواست، آثار تصرف برقرار تا صورت قانونی آن حفظ شده باشد. چه بسا در این ماجرا تجاوز به اراضی این و آن یا تخطی به حقوق دیگران پیش می‌آمد، همین کشمکش‌ها موجب شد که قانونگذار به دعوای تصرف با الهام از حقوق فرانسه، عنوان

مستقل قانونی بدهد. نخستین قانونی که دعوی تصرف عدوانی را در حقوق ایران مطرح کرد، قانون موقتی اصول محاکمات حقوق مصوب ۱۳۲۹ هجری قمری بود. سپس در سال ۱۳۰۹ شمسی، قانون طرز جلوگیری از تصرف عدوانی به تصویب رسید که مشتمل بر ده ماده بود و صلاحیت رسیدگی به این دعا را به دادسراهای شهرستان تفویض کرده بود. در سال ۱۳۱۸ قانون آیین دادرسی مدنی در باب صلاحیت اختصاصی دادگاه بخش، رسیدگی به این دعاوی را به عهده آن دادگاه گذاشت و با توجه به شرایطی که برای سبق و لحوق تصرف و مدت هریک از آنها مقرر نمود، نه تنها نسخ قانون سال ۱۳۰۹ تلقی نشد، بلکه در بسیاری از موارد اصول مندرج در قانون مذکور، تا آن حد که به نفس دعوی تصرف عدوانی ارتباط داشت. بر اساس وحدت ملاک از طرف قضات دادگاهها مورد استفاده قرار گرفت. قانون ۱۳۰۹ با تصویب قانون جلوگیری از تصرف عدوانی در سال ۱۳۳۹ اصلاح گردید، لیکن آرای مختلف و نظریات گوناگون و متضاد صادر می‌شد و عملاً قضات در عمل با مشکلاتی رو به رو شدند. به عنوان مثال بیشتر قضات، دعوی تصرف شرکا علیه یکدیگر را در دادسرا ممنوع می‌دانستند و معتقد بودند که شرکا منحصراً می‌توانند به دادگاههای حقوقی به عنوان دعوی مالکیت دادخواست بدهند. (طیرانیان، ۱۳۸۷، ۲۴) همه اینها سبب شد که در سال ۱۳۵۲ قانون جلوگیری از تصرف عدوانی نسخ و قانون اصلاحی جدیدی جانشین آن گردد. با تصویب قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب در سال ۱۳۷۳، رسیدگی به دعوی تصرف عدوانی در دادگاههای عمومی انجام می‌شد و سرانجام با تصویب قانون آیین دادرسی مدنی ۱۳۷۹ رسیدگی به چنین دعاوی برابر مقررات این قانون صورت می‌پذیرد.

آثار حقوقی دعوی رفع تصرف عدوانی

در حقوق ایران، دعوی رفع تصرف عدوانی اصلی در ماده ۱۵۸ و در حکم تصرف عدوانی در ماده ۱۷۱ قانون آیین دادرسی مدنی مورد تأیید و شناسایی قرار گرفته است. در دعوی حقوقی تصرف عدوانی، اثبات سه موضوع سبق تصرف مدعی؛ لحوق تصرف خوانده و عدوانی بودن تصرف خوانده برای صدور رأی به نفع خواهان ضروری است. از خصوصیات بارز دعوی تصرف عدوانی این است که در این دعا به ماهیت حق رسیدگی نمی‌شود و حمایت سریع از تصرف و جلوگیری از هرج و مرج ایجاب نموده که قانونگذار راجع به سمت خواهان برای طرح دعوا سخت‌گیری زیادی ننماید. (ابهری و اکبری، ۱۳۹۰، ۷۹) به بیان دیگر در دعوی رفع تصرف عدوانی، دادگاه مانند دعاوی تصرف، وارد دلایل مالکیت نمی‌شود و فقط به سبق تصرف خواهان و لحوق و عدوانی بودن تصرفات خوانده رسیدگی و در صورت احراز شرایط پیش گفته خوانده را محکوم به رفع تصرف عدوانی می‌نماید. چنانچه اگر هریک از سه امر مزبور یا به طریق اولی هیچیک از آنها اثبات نگردد، دادگاه خواهان را محکوم به بی حقی می‌نماید، حتی اگر مشارالیه مالک ملک باشد. البته شکست در دعوی تصرف عدوانی مانع اقامه دعوی مالکیت نمی‌باشد، چرا که قانونگذار در بند اول ماده ۱۷۴ قانون آیین دادرسی مدنی می‌گوید: دادگاه در صورتی که رأی به نفع خواهان می‌دهد که به طور مقتضی احراز کند خوانده، ملک متصرفی را عدواناً تصرف و یا مزاحمت و یا ممانعت از

حق استفاده خواهان نموده است. بنابراین قانونگذار با تدوین مقررات مزبور از تصرف حمایت نموده و غیرمتصرف را حتی اگر مالک باشد از تصرف عدوانی منع و متصرف را در برابر تمام اشخاص از جمله مالک، حمایت نموده است. در دعوای رفع تصرف عدوانی، مدعی وقتی می‌تواند دادخواست یا شکایت کیفری مبنی بر رفع تصرف عدوانی تقدیم کند که بتواند اثبات کند در ملک موضوع دعوا دارای سابقه تصرف می‌باشد، اما مشتکی عنه یا خواننده، ملک را از تصرف وی خارج کرده است. (موسوی، ۱۳۹۶، ۶۱-۶۹) شرط اساسی دعوای رفع تصرف عدوانی حقوقی، خارج کردن ملک بدون رضایت متصرف است و این بالاترین مزاحمتی است که می‌شود به متصرف وارد نمود. این مزاحمت ممکن است به قهر و غلبه انجام گیرد یا اینکه بدون قهر و غلبه باشد و در هر حال عدم رضایت متصرف سابق برای تحقق تصرف عدوانی کافی است و احراز سوءنیت و علم و عمد متجاوز بر خلاف دعوای غصب هیچ تأثیری در ماهیت امر نخواهد داشت. به موجب ماده ۱۶۱ قانون آیین دادرسی مدنی، خواهان دعوای رفع تصرف عدوانی باید ثابت نماید که موضوع دعوا حسب مورد، قبل از خارج شدن ملک از تصرفش، در تصرف یا مورد استفاده او بوده و بدون رضایت او یا به غیر وسیله قانونی از تصرفش خارج گردیده است. یکی از ارکان تصرف عدوانی این است که تصرف متصرف فعلی، لاحق بر تصرف متصرف سابق باشد. به عبارت دیگر شرط قبول دعوای تصرف عدوانی این است که ثابت شود خواننده دعوا سابقاً هیچگونه تصرف در مال مورد بحث نداشته والا خود او نیز متصرف سابق به حساب می‌آید و صدور حکم مبنی بر رفع تصرف در این وضعیت توجیه قانونی ندارد. دعوی تصرف عدوانی چه اصلی و چه در حکم آن، الزاماً باید به طرفیت شخصی اقامه شود که تصرفاتش لاحق بوده و فعلیت دارد. لذا در صورت عدم رعایت نکته مذکور، دعوی تصرف عدوانی چه اصلی و چه در حکم آن، قابلیت استماع نداشته و رد می‌شود. پس وجود لحوق تصرف خواننده در دعوی تصرف عدوانی از شروط اساسی است که با اثبات سبق تصرف از ناحیه مدعی، لحوق تصرف خواننده مفروض تلقی می‌گردد. بنابراین خواهان در صورتیکه مال غیرمنقول بدون رضایت و به غیر وسیله قانونی از تصرفش خارج شده باشد، می‌تواند علیه متصرف فعلی دعوای تصرف عدوانی اقامه نماید. در دعوای تصرف عدوانی مدنی در صورت اثبات ادعای خواهان دادگاه علاوه بر حکم به رفع تصرف عدوانی در صورتی که متصرف در ملک مورد تصرف عدوانی غرس اشجار، یا احداث بنا یا زراعت کرده باشد مطابق ماده ۱۶۴ و ۱۶۵ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی حکم خواهد کرد و نیز مطابق تبصره ماده ۱۶۵ در صورت تقاضای محکوم له، دادگاه متصرف عدوانی را به پرداخت اجرات المثل زمان تصرف نیز محکوم می‌نماید. البته به نظر می‌رسد این امر در مواردی است که خواهان مالک یا دارنده عین یا منافع یا منفعت ملک باشد. در دعوای تصرف عدوانی، متصرف سابق دو ادعا در خصوص تصرف متصرف فعلی می‌تواند طرح نماید: الف) ادعای تصرف عدوانی ب) ادعای مالکیت و خلع ید. پس متصرف سابق مخیر است به اینکه دعوی تصرف عدوانی طرح نماید یا ادعای مالکیت و خلع ید. در صورت طرح دعوی مالکیت و خلع ید، ادعای تصرف عدوانی به استناد ماده ۱۶۳ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی، مسموع نیست. پس از طرح دعوی تصرف

عدوانی و صدور حکم به رفع تصرف عدوانی، متصرف سابق، متصرف قانونی و مورد حمایت تلقی می‌گردد و لیکن این امر مانع از طرح دعوی مالکیت نیست چه بسا که متصرف قانونی در دعوی تصرف عدوانی پس از رسیدگی ماهیتی در امر مالکیت، تصرفاتش غاصبانه تلقی و حکم به خلع ید وی صادر گردد. علت و فلسفه چنین امری نظم و انتظامات عمومی است، چرا که نظم در جامعه اقتضاء دارد، هر شخصی که ادعای حقی دارد رأساً اقدام نکند و این اقدام قانونی یک اقدام مقطعی و موقتی است و تا زمانیکه حکم به خلع ید متصرف سابق (محکوم له) صادر نشود، محکوم له متصرف قانونی تلقی می‌گردد. (شیرزاد اصفهانی، ۱۳۹۲، ۸۳) در صورتیکه رأی مبنی بر رفع تصرف عدوانی یا مزاحمت یا ممانعت از حق باشد به دستور مرجع صادرکننده به وسیله مأمورین انتظامی اجرا خواهد شد و درخواست رسیدگی پژوهشی مانع اجرای حکم نخواهد بود. پس حکم رفع تصرف عدوانی در دعوای مدنی به تجویز ماده ۱۷۵ قانون آ.د.م. بلافاصله به دستور مرجع صادرکننده توسط اجرای دادگاه یا ضابطین دادگستری اجرا خواهد شد و درخواست تجدید نظر مانع اجرا نمی‌شود. لازم به ذکر است، تغییر متصرف به هیچ عنوان نمی‌تواند مانع اجرای حکم دادگاه باشد، چرا که حکم ناظر به رفع تصرف از ملک می‌باشد و پس از اثبات عدوانی بودن تصرفات متصرف، رأی صادره اجرا خواهد شد و اهمیتی ندارد که چه کسی متصرف مال باشد. چنانچه در دعوایی، خواهان رفع تصرف عدوانی مالک مشاعی ملک باشد و حکم به نفع وی صادر شود، در مورد نحوه اجرای حکم صادره باید گفت هرچند در دعوای تصرف عدوانی مسئله مالکیت مطرح نبوده و در رسیدگی صرفاً احراز سبق تصرف خواهان و لحوق تصرف خوانده ضروری است، لیکن با فرض مالکیت یا تصرفات طرفین، تفاوتی بین خلع ید از ملک مشاع با رفع تصرف عدوانی از ملک مشاع وجود ندارد و در خصوص مورد باید به یک نحو عمل شود و اجرای حکم در هر دو مورد به یک شیوه خواهد بود. در ماده ۱۴۳ قانون اجرای احکام مدنی درباره اجرای حکم خلع ید از ملک مشاعی مقرر شده است: در مواردی که حکم خلع ید علیه متصرف ملک مشاع به نفع مالک قسمتی از ملک مشاع صادر شده باشد از تمام ملک خلع ید می‌شود، لیکن تصرف محکوم له در ملک خلع ید شده مشمول مقررات املاک مشاعی است. با توجه به اینکه دعوای رفع تصرف عدوانی، یک دعوای شکلی است و به امنیت قضایی و نظم عمومی مرتبط می‌شود و احتیاج به حمایت بیشتری دارد، لذا قانونگذار در ماده ۱۷۷ ق.آ.د.م. نه تنها رسیدگی به این دعا را تابع تشریفات دادرسی ندانسته، بلکه رسیدگی خارج از نوبت به آن را نیز تجویز نموده اما این بدان معنا نیست که اصول و قواعد آمره رسیدگی در این دعوا نادیده انگاشته شود. در دعوای تصرف عدوانی، چنانچه قاضی رسیدگی کننده به دعوای تصرف در صورتیکه دلایل شکایت را قوی بداند می‌تواند در جریان رسیدگی و قبل از صدور حکم مبادرت به صدور دستور موقت نماید. مثلاً دستور موقت به رفع مزاحمت دائر بر وصل تلفن یا آب یا برق مورد دعوی را صادر نماید و این دستور فوراً اجرا می‌شود و تا زمانیکه حکم به رد دعوی صادر نشود و یا مرجع تجدیدنظر دستور جدیدی نداده باشد به قوت خود باقی می‌ماند، صدور دستور موقت بستگی به فوریت امر ندارد و قانونگذار فوریت داشتن آن را در دعوای تصرف عدوانی مفروض و قانونی دانسته و فقط قوی بودن

دلایل دادخواست خواهان برای صدور آن کافی خواهد بود و تا قبل از صدور حکم نهایی مرجع صدور دستور حق ندارد آن را لغو نماید. همچنین در این دعوا ابراز سند مالکیت، دلیل مالکیت محسوب نمی‌شود و صرفاً مفید اثبات تصرف سابق است. حکم راجع به رفع تصرف عدوانی به طور موقت قابل اجراست و نیاز نیست قطعی شده باشد. در مورد دعوای تصرف باید گفت به صراحت قانونگذار رعایت تشریفات دادرسی در دعوای تصرف الزامی نیست، اما رعایت اصول دادرسی الزامی و اجباری است.

آثار کیفری دعوای رفع تصرف عدوانی

جرم تصرف عدوانی یکی از بارزترین جلوه‌های جرائم علیه اموال غیرمنقول است که برهم زنده نظم و امنیت در جامعه می‌باشد. نظر به اهمیت چشم‌گیر حمایت از تصرف اشخاص به منظور حفظ نظم در اجتماع، قانونگذار درصدد برآمده است که با وضع مقررات جزایی و تعیین مجازات برای متصرف عدوانی، در برخی موارد به تصرف عدوانی جنبه کیفری دهد. دعوای کیفری تصرف عدوانی که عنصر قانونی آن مواد ۶۹۰ تا ۶۹۳ قانون مجازات اسلامی است، مستلزم تقدیم دادخواست حقوقی برای اعاده وضع به حال سابق نمی‌باشد، بلکه قاضی مکلف است پس از طرح شکایت تصرف عدوانی، برابر قانون رسیدگی نماید و در صورت اثبات ادعا، علاوه بر مجازات مجرم به رفع تصرف عدوانی و اعاده وضع نیز حکم دهد. در پیشگیری از جرم تصرف عدوانی در بعد تقنینی، قانون اصلاح قانون جلوگیری از تصرف عدوانی با ارائه حمایت‌های انتظامی، حمایت قضایی و همچنین در قانون مجازات اسلامی برای جرم انگاری تصرف عدوانی به دنبال پیشگیری در بعد تقنینی و خصوصاً در بعد کیفری بوده است. (محمدی‌نیا و همکاران، ۱۴۰۰، ۱۵۹) ماده ۶۹۰ قانون مجازات اسلامی، در مقام تبیین جرائمی از جمله، تصرف عدوانی می‌باشد که بر اساس ماده مذکور، در صورتی که عناصر سه‌گانه جرم، عنصر مادی، معنوی و قانونی موجود باشد، علاوه بر رفع تصرف عدوانی، متهم مجازات قانونی خواهد شد. عنصر مادی، در بزه تصرف عدوانی، تصرف متصرف لاحق و احراز سبق تصرف متصرف سابق (مدعی) می‌باشد. عنصر معنوی در جرم تصرف عدوانی، سوء نیت متهم در تصرف ملک می‌باشد که در صورت فقد عنصر سوء نیت، متهم تبرئه خواهد شد. عنصر قانونی آن، مادتين ۶۹۰ و ۶۹۱ قانون مجازات اسلامی است چنانچه تصرف متصرف فعلی بدون قهر و غلبه باشد عملش منطبق با ماده ۶۹۰ و در غیر اینصورت و وجود قهر و غلبه، ماده ۶۹۱ قانون مجازات اسلامی با وی برخورد می‌شود. مع الوصف متصرف فعلی به عنوان متهم در رسیدگی کیفری می‌باشد و در صورت وجود دلایل اتهام پس از تفهیم اتهام قانونی قرار تأمین مناسب صادر خواهد شد و پس از طی مراحل قانونی، آخرین دفاع اخذ و حکم رفع تصرف عدوانی توأم با مجازات صادر خواهد شد. ماده ۶۹۰ قانون مجازات اسلامی ناظر به تصرف عدوانی اصلی می‌باشد و در برگیرنده تصرف در حکم تصرف عدوانی نیست، بلکه نوعی خیانت در امانت در تصرف، در حکم تصرف عدوانی مطرح می‌گردد که وفق ماده ۶۷۴ قانون مجازات اسلامی، قابل رسیدگی است. جهت معرفی تصرف عدوانی کیفری، تعریفی در قانون مجازات اسلامی به عمل نیامده است، لیکن

رویه قضایی در دادگاه‌ها، بدین منوال است که به تعریف تصرف عدوانی، در قانون آیین دادرسی مدنی استناد می‌شود. دعوای تصرف عدوانی کیفری نیز مانند دعوای حقوقی آن فقط ناظر به اموال غیرمنقول است و در خصوص اموال منقول همچنان باید به قانون اصلاح قانون جلوگیری از تصرف عدوانی ۱۳۵۲ که در مقام تبیین تصرف عدوانی بوده و به تصرف عدوانی انتظامی معروف شد، استناد نمود. البته تصرف عدوانی مال منقول تحت عناوین مجرمانه دیگر مثل کلاهبرداری، سرقت، خیانت در امانت و ... قابل تعقیب می‌باشد و در این میان سرقت، بیشترین اشکال تصرف عدوانی را در بر می‌گیرد. علاوه بر اینکه ارکان دعوای تصرف عدوانی حقوقی باید در شکایت کیفری تصرف عدوانی موجود باشد، در شکایت کیفری دو رکن اضافه سوءنیت و مالکیت شاکی نیز باید وجود داشته باشد. یعنی بر خلاف دعوای حقوقی تصرف عدوانی که قانونگذار یا دادگاه برای پیروزی خواهان در عوا به مالکیت توجه نمی‌کند، در شکایت کیفری شاکی باید مالک باشد و سوءنیت متهم هم باید احراز شود. نکته مهمی که در خصوص دعوای کیفری تصرف عدوانی حائز اهمیت است عبارت «متعلق به» مذکور در ماده ۶۹۰ قانون مجازات اسلامی است و به نظر می‌رسد ظهور در این دارد که موضوع تصرف عدوانی باید ملک متعلق به شاکی باشد و از سوی دیگر این ظهور با فلسفه جرم انگاری تصرف عدوانی که همانا برقراری نظم اجتماعی و احترام به تصرفات اشخاص است تعارض دارد و همین تعارض سبب شده است که دادگاه‌ها نیز رویه مختلفی اتخاذ نمایند. برخی از دادگاه‌ها بر اساس ظاهر ماده، شکایت متصرفی را که ملک تحت تصرف وی مورد تصرف عدوانی قرار گرفته است اما مالکیتی ندارد و یا توان اثبات مالکیت خود را ندارد مسموع نمی‌دانند و برخی دیگر با توجه به فلسفه تقنین ماده صرف سبق تصرف را کافی می‌دانند. آنچه منطقی به نظر می‌رسد این است که برای پذیرش شکایت کیفری تصرف عدوانی اثبات مالکیت شاکی لازم است. به عبارت دیگر شاکی باید دلیل بر مالکیت خود داشته باشد. از عبارت «متعلق به» در ماده ۶۹۰ قانون مجازات اسلامی نیز این امر استنباط می‌شود. به عبارت دیگر مطابق ماده فوق‌الذکر جرم تصرف عدوانی با تجاوز و تصرف اراضی متعلق به غیر تحقق پیدا می‌کند و ذکر عبارت «اراضی و املاک متعلق به ...» نشان می‌دهد که این دعوا تنها از سوی مالک (ذینفع) قابل اقامه است و نیز مورد تصرف بر خلاف تصرف عدوانی حقوقی که شامل اموال غیرمنقول تبعی نیز می‌گردید تنها در مورد اموال غیرمنقول ذاتی صدق می‌کند. بر عکس در دعوای تصرف عدوانی حقوقی بر اساس مقررات قانون آیین دادرسی مدنی نیاز به اثبات مالکیت نمی‌باشد و هدف مقنن حمایت از تصرف و متصرف می‌باشد و از این رو در بیشتر مواد قانون آیین دادرسی مدنی از متصرف صحبت شده است نه مالک. اگر کسی یکبار بر اساس ماده ۶۹۰ به اتهام تصرف عدوانی به مجازات محکوم شود و مجدداً ملک را مورد تصرف عدوانی قرار دهد بر اساس ماده ۶۹۳ این قانون، مجازات وی تشدید می‌شود. در عمل، محاکم در دعوای کیفری تصرف عدوانی سبق تصرفات شاکی و لحوق تصرفات متهم را شرط تحقق جرم تصرف عدوانی مذکور در ماده ۶۹۰ می‌دانند. (اکبری، ۱۳۸۹، ۳۷) در دعوای غصب و تصرف عدوانی غالباً عدوان به معنی تصرف بدون رضایت و بدون مجوز شرعی و قانونی و بدون داشتن حق، استعمال می‌شود. اما در جرم تصرف عدوانی این

مفهوم مضیق تر از موارد مذکور است چرا که صرف نداشتن حق و عدم رضایت مالک برای تحقق بزه کافی نیست، بلکه باید مرتکب آگاه به آنچه انجام می‌دهد باشد و بداند آنچه مورد تصرفش است متعلق به دیگری می‌باشد و با وجود این، قصد تصرف آن با ذیحق معرفی کردن خود یا دیگری را داشته باشد. با دقت در ماده ۶۹۰ قانون مجازات اسلامی ملاحظه می‌گردد این ماده نه در مقام بیان مصادیق تصرف عدوانی، بلکه بیانگر چندین جرم مستقل می‌باشد که شاید به علت وحدت موضوع در یک ماده بیان شده است. در نتیجه شرط اقامه دعوی تصرف عدوانی کیفری آن است که فعل مادی مرتکب به صورت تصرف جلوه‌گر شود. از آنجا که تصرف عدوانی از جمله جرایم عمدی به شمار می‌رود در نتیجه تنها به صورت فعل مثبت خارجی محقق می‌گردد و عمل مرتکب در صورتی که به صورت منفی و با ترک فعل صورت گیرد قابل تعقیب کیفری نخواهد بود. در واقع لازم است مرتکب با طی کردن تمام مراحل (قصد ارتکاب، تهیه مقدمات جرم، شروع جرم) نهایتاً ملک یا زمین دیگری را که ممکن است در تصرف مالک یا شخص ثالث یا بدون تصرف باشد به تصرف خود درآورد و صرف تخریب، بدون تصرف ملک دیگری برای تحقق جرم مزبور کافی نبوده و متضرر باید با اعلام جرم متناسب و مرتبط با موضوع، شکایت خود را در محاکم کیفری پیگیری نماید. بنابراین، عنصر مادی جرم تصرف عدوانی به صورت فعل مثبت مادی خارجی محقق می‌شود و ترک فعل نمی‌تواند عنصر مادی این جرم تلقی گردد. فلذا فعل مثبت مادی در این جرم به صورت فعل مادی محسوس عینی قابل تصور است که این فعل در ماده ۶۹۰ قانون مجازات اسلامی عبارتست از پی‌کنی، دیوارکشی، تغییر حد فاصل امحاء مرز، کرت بند، نهرکشی، حفرچاه، غرس اشجار و زراعت و امثال آن، که این امر ممکن است به صورت مادی و محسوس عینی باشد. قانون گذار در ماده فوق‌الذکر رفتار فیزیکی جرم تصرف عدوانی را به دو صورت قابل تحقق دانسته است. یکی ایجاد آثار تصرف از طریق صحنه سازی و دیگری هرگونه تجاوز و تصرف عدوانی، در قسمت اول فرد دست به انجام اعمالی از قبیل پی‌کنی، نهرکشی و غیره می‌زند تا از این طریق آثار تصرف را ایجاد کند ولی در قسمت دوم صحبت از تصرف است و تصرف یک اثر حقوقی است. پس باید به دنبال افعالی بود که چنین اثر یا وضعیت خاص را ایجاد کرده باشد که منحصر به موارد خاصی نیست. جرم تهیه آثار تصرف تا زمانیکه منجر به تصرف مادی نگردد خود جرم مستقلی جدا از تصرف عدوانی می‌باشد که مقنن مجازات آن را همان مجازات جرم تصرف عدوانی دانسته است. تهیه آثار تصرف را که در واقع شروع به جرم تصرف عدوانی محسوب می‌شود، مقنن بدان جهت جرم انگاری نموده است تا افرادی که با اقدام به برخی عملیات اجرایی، قصد تصرف ملک دیگری را دارد اما موفق به تصرف کامل آن و استیلاء بر ملک نمی‌شود، از مجازات رهایی نیابد. در اغلب موارد افراد به تدریج با تهیه آثار تصرف، زمینه را برای استیلاء کامل بر ملک دیگری فراهم می‌نمایند تا در مواردیکه صاحب ملک مطلع گردد و در مقام شکایت برآید، بتوانند با استناد به عدم تصرف کامل از مسئولیت کیفری رهایی یابند. لذا قانونگذار با جرم انگاری این گونه اعمال در فراز نخست ماده ۶۹۰ ق. م. ا. به حمایت از مالکیت اشخاص پرداخته است. ذکر این نکته ضروریست که جرم مستقل بودن تهیه آثار تصرف مانع از آن نیست که تهیه آثار تصرف با صحنه

سازی از اجزای عنصر مادی جرم تصرف عدوانی به حساب آید، چرا که تصرف به عنوان وضعیت حقوقی از رفتارها و اعمال مادی متعددی محقق می‌شود که یکی از آن اعمال می‌تواند صحنه سازی از قبیل دیوارکشی، تغییر حد و فاصل و مانند آن باشد. (شیرزاد اصفهانی، ۱۳۹۲، ۴۱) به جهت فلسفه جرم تصرف عدوانی یعنی حفظ وضع موجود و انتظامات عمومی، تصرفی مدنظر است که آشکارا و قابل رویت عمومی و عینی باشد. بنابراین تصرفات مخفی و غیرعلنی، از شمول ماده ۶۹۲۰ قانون مجازات اسلامی، خروج موضوعی دارد. همچنین، مقنن در ماده ۶۹۰ قانون مجازات اسلامی، از اراضی و املاک متعلق به دولت یا سازمان‌های وابسته به دولت یا متعلق به اشخاص حقیقی یا حقوقی سخن به میان آورده است. این عبارت دلالت بر این مفهوم دارد که مال بدون مالک نباشد. بنابراین تصرف اموالی که مالک ندارد مشمول مجازات تصرف عدوانی نخواهد بود. برای تحقق جرم تصرف عدوانی بایستی مال موضوع جرم تصرف عدوانی در زمان ارتکاب تصرف عدوانی، متعلق به مرتکب نبوده بلکه متعلق به دیگری اعم از شخص حقیقی و یا حقوقی باشد. چه بسا مال مورد تصرف قبل از تصرف به خود مرتکب تعلق داشته ولی در لحظه ارتکاب تصرف عدوانی مال او نبوده است یا وضع مال موضوع جرم به نحوی باشد که بعد از ارتکاب تصرف عدوانی، تحت شرایطی آن را قانوناً مالک شود، برای مثال کسی که چند قطعه زمین به دیگری بفروشد و پس از انجام معامله و تسلیم آن اقدام به تصرف همان زمین می‌کند، مرتکب جرم تصرف عدوانی شده است اما اگر کسی خانه متعلق به پدرش را تصرف می‌کند غافل از این که قبل از شروع عملیات تصرف و یا در حین آن پدرش فوت نموده است. عملش مصداق جرم تصرف عدوانی نخواهد بود، چرا که در لحظه ارتکاب تصرف، قانوناً خانه مورد تصرف، به طور قهری به ملکیت وی درآمده است. به نظر می‌رسد با توجه به فلسفه جرم‌انگاری جرم تصرف عدوانی (حمایت از تصرف به خاطر دلالت آن بر مالکیت، حمایت از مالکیت به جهت ارتباط عمیق آن با نظم اجتماعی) باید قائل به این شد که این جرم در اموال مشاع نیز قابل تحقق است، زیرا کل مال مشاع در یک نفر تعلق ندارد و تصرف در این مال حتی از طرف یکی از شرکا بدون اجازه سایر مالکین تصرف در مال دیگری است. (شیرزاد اصفهانی، ۱۳۹۲، ۵۱) شروع به تصرف عدوانی تنها در صورتی قابل مجازات خواهد بود که عملیات و اقداماتی که در راستای این جرایم انجام گرفته‌اند خود تشکیل دهنده جرم مستقل باشند. مثل اینکه فرد به قصد تصرف منزل دیگری بدون اجازه مالک یا متصرف قانونی وارد منزل او شود ولی موفق به تصرف آن نشود که خود این عمل به طور خاص به عنوان ورود غیرمجاز جرم انگاری شده و قابل مجازات است. لذا با این عنوان نه به عنوان شروع به تصرف عدوانی قابل مجازات می‌باشد. در تصرف عدوانی کیفری در صورت اثبات موضوع دادگاه علاوه بر صدور حکم مجازات متصرف عدوانی به رفع تصرف و اعاده وضع به حالت سابق و قلع و قمع بنا و اشجار و رفع آثار تجاوز حکم می‌نماید، اما حکم به پرداخت اجرت‌المثل مستلزم تقدیم دادخواست ضرر و زیان و مطالبه آن از ناحیه شاکی است. به طور کلی هرچند برای تصرف عدوانی دو راه قانونی دعوی حقوقی و کیفری وجود دارد، اما به جهت اینکه در خیلی از موارد احراز سوءنیت متهم مشکل است و دادگاه نمی‌تواند جرم را احراز نماید در نتیجه براءت او را صادر می‌کند. بنابراین افرادی که

اختلاف ملکی دارند بهتر است شکایت تصرف عدوانی مطرح نکنند، بلکه دعوای تصرف حقوقی اقامه نمایند.

نتیجه

قانونگذار برای حمایت از تصرف و حفظ حقوق متصرفین و مهم‌تر از آن جهت حفظ نظم عمومی و مصالح اجتماعی، مواد خاصی را به تصرف عدوانی اختصاص داده است. همچنین در مواردی تصرف عدوانی را جرم دانسته و علاوه بر رفع تصرف که در قانون آیین دادرسی مدنی نیز پیش بینی شده، متصرف را مستحق مجازات می‌داند. دعوای رفع تصرف عدوانی یک تأسیس حقوقی است که از حقوق فرانسه وارد حقوق ایران شده و مبنای این دعوا در حقوق فرانسه که حفظ نظم عمومی و صلح اجتماعی است، توسط قانونگذار ما پذیرفته شده است. رابطه دعوای رفع تصرف عدوانی حقوقی و کیفری عموم و خصوص من وجه می‌باشد. از جمله اشتراکات دعوای رفع تصرف عدوانی حقوقی و تصرف عدوانی کیفری می‌توان به واحد بودن فعل مرتکب (تصرف)، عدوانی بودن عمل ارتكابی، غیرمنقول بودن مال موضوع دعوا، رعایت اصول و عدم رعایت تشریفات دادرسی، رسیدگی خارج از نوبت، عدم جواز جلب ثالث، تشدید مجازات در صورت تکرار عمل اشاره کرد. در خصوص افتراقات موجود میان دعوای مزبور نیز می‌توان به لزوم مالکیت در دعوای تصرف عدوانی کیفری و کافی بودن تصرف در دعوای تصرف عدوانی حقوقی، امکان طرح دعوای ورود ثالث در دعوای تصرف عدوانی حقوقی و عدم امکان طرح آن در دعوای تصرف عدوانی کیفری، امکان حبس محکوم علیه متصرف در دعوای کیفری بر خلاف دعوای حقوقی اشاره کرد. موضوع جرم تصرف عدوانی، اراضی و املاک است که به مرتکب تعلق نداشته، بلکه متعلق به دیگری است. مرتکب جرم تصرف عدوانی باید علم به این عدم تعلق مال به خود و تعلق آن به دیگری داشته باشد. برای تحقق قصد مجرمانه در جرم تصرف عدوانی باید متصرف عدوانی بر این موضوع واقف باشد که فاقد مجوز قانونی برای انجام این است. بدین ترتیب اگر مرتکب در این قسمت دچار تردید و اشتباه شود یعنی نسبت به داشتن مجوز قانونی، ملک را تصرف کند در این حالت عنصر مادی محقق است ولی عنصر روانی وجود ندارد، زیرا مرتکب با این تصور که در حال انجام عمل مباح است دست بر این اقدام زده، لذا سوءنیت و تفکر مجرمانه در این صحت وجود ندارد. با توجه به اینکه مبنای دعوای تصرف عدوانی حفظ نظم تصرف می‌باشد بنابراین، در صورتی وجود مقررات این دعوای مفید خواهد بود که در کوتاه‌ترین زمان جهت حفظ نظم، اعاده وضع به سابق صورت گیرد. در حالیکه، با تراکم پرونده‌ها در محاکم در عمل رسیدگی به دعوای تصرف عدوانی طولانی شده است. جهت حل این مشکل، پیشنهاد می‌شود مراجع خاصی جهت رسیدگی به این دعوای تشکیل شود.

منابع و مراجع

- ابهری، حمید و اکبری، مریم (۱۳۹۰)، «آیین دادرسی مربوط به دعاوی تصرف عدوانی»، مجله علمی پژوهشی حقوق خصوصی، دوره هشتم، شماره ۲.
- اکبری، مریم (۱۳۸۹)، «دعای تصرف عدوانی در امور حقوقی»، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه مازندران.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۲)، ترمینولوژی حقوق، چ ۱۳، تهران: انتشارات گنج دانش.
- حبیب زاده، محمد جعفر و کوهی اصفهانی، کاظم (۱۳۹۱)، «بررسی و تحلیل ارکان جرم تصرف عدوانی در حقوق ایران»، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۲، شماره ۴.
- حیاتی، علی عباس و هادی، حامد (۱۳۸۷)، «مبانی دعوی رفع تصرف عدوانی در حقوق ایران (مطالعه تطبیقی در فقه امامیه و حقوق فرانسه)»، فصلنامه معارف اسلامی و حقوق، پژوهش نامه حقوق اسلامی، سال نهم، شماره ۲.
- خدادی، ابوالقاسم (۱۳۹۹)، «واکاوی جرایم سه گانه (تصرف عدوانی، مزاحمت و ممانعت از حق) در پرتو تفاسیر پراکنده محاکم دادگستری»، مجله پژوهش های حقوق جزا و جرم شناسی، شماره ۱۶.
- خدری، صالح (۱۳۹۸)، «ضابطه تشخیص دعاوی تصرف با تحلیل و نقدی بر یک رأی»، فصلنامه قضاوت، شماره ۹۷.
- رضایی، علی (۱۳۹۸)، «نقش مالکیت در تحقق تصرف عدوانی»، فصلنامه رأی: مطالعات آرای قضایی، شماره ۲۶.
- زراعت، عباس (۱۳۷۹)، شرح قانون مجازات اسلامی، ج ۲، چ ۳، تهران: نشر فیض.
- شریف، علی اصغر (۱۳۴۷)، مظاهر تصرف عدوانی و مزاحمت، ج ۱، چ ۳، تهران: انتشارات تابان.
- شیرزاد اصفهانی، الهام (۱۳۹۲)، «مقایسه دعوی تصرف عدوانی مواد ۱۵۸ تا ۱۷۷ قانون آیین دادرسی مدنی و جرم تصرف عدوانی»، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- صدرزاده افشار، سید محسن (۱۳۸۰)، آیین دادرسی مدنی و بازرگانی، چ ۱، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- طیرانیان، غلامرضا (۱۳۸۷)، دعاوی تصرف، چ ۳، تهران: انتشارات گنج دانش.
- محمدی نیا، امید و شمشیری، علیرضا و آقاپور، علی (۱۴۰۰)، «تصرف عدوانی در نظم حقوقی کیفری ایران با تأکید بر پیشگیری از ارتکاب جرم»، فصلنامه علمی مطالعات پیشگیری از ارتکاب جرم، دوره شانزدهم، شماره ۵۹.
- مدنی، سید جلال الدین (۱۳۸۲)، آیین دادرسی مدنی، ج ۱، چ ۱، تهران: انتشارات پایدار.
- موسوی، سید محمود (۱۳۹۶)، «بررسی ارتباط و تضادهای دعوی خلع ید با دعوی تصرف عدوانی»، فصلنامه پژوهش در فقه و حقوق، شماره ۶.